



تنهایی دلچسب انسان معاصر در نوروز کرونایی

نگار مفید
خبرنگار

فیلم بگیرید، در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنید و این احتمال را در نظر بگیرید که شما را از خانه بیرون بپندازند. به هر حال هر خانواده‌ای طاقت شوخی را ندارد و تاب نمی‌آورد تا روز اول نوروز به او زنگ بزنند و به جای تبریک نوروز بگویند: «راستی! دسته پلی‌استیشن را برعکس گرفته بودی.»

راه دیگری هم وجود دارد که این یکی راه با ایده‌های عجیب و غریب خانواده شاد تفاوت فاحش دارد؛ یک بازی کلمه یا پازل روی گوشی‌تان نصب کنید و تمام تعطیلات را فرصت دارید تا رکورد بازی را جابه‌جا کنید. می‌توانید یک رستوران بسازید و به مشتری‌های مجازی‌تان لیموناد بدهید یا یک شهر بسازید و کاری هم به کار آدم‌های واقعی زندگی‌تان نداشته باشید. این روش، هرچند در کوتاه‌مدت روحیه‌تان را تغییر می‌دهد، اما در پایان روز سیزدهم هیچ علاقه‌ای برای بیرون زدن از خانه ندارید، معاشرت با اطرافیان را فراموش کرده‌اید و به احتمال فراوان ساعت خواب و بیداری‌تان هم تغییر کرده است. به این دلیل که اغلب این بازی‌ها وابستگی عجیبی به زمان دارند و مجبور می‌شوید در کمتر از یک ساعت، چندین و چند مرتبه به این بازی سر بزنید.

راهکار میانه این است؛ یک بازی را روی گوشی‌تان بریزید و برای شکستن رکورد آن، نه با آدم‌های دور و غریبه که با آدم‌های نزدیک وارد کل کل شوید. به این ترتیب هم روز خوشی را پشت سر گذاشته‌اید، هم زمان تنهایی‌تان را مثل آن خانواده شاد و خوشحالی که در تلویزیون تبلیغش را می‌کنند، صرف نکرده‌اید. شبیه این ماجرا را با سریال‌های متنوعی که هنوز ندیده‌اید هم می‌توانید تجربه کنید. سریالی را برای تماشا با خانواده در نظر بگیرید و سریالی دیگر را به تنهایی ببینید. می‌توانید سراغ برنامه‌های ورزش و نرمش هم بروید؛ برنامه‌ای را برای تفریح با خانواده و ورزش دیگر در نظر بگیرید و برنامه‌ای دیگر را به قصد تمرینات ورزشی پی بگیرید. چه کسی گفته شادی ما و خانواده مان در روزهای خانه نشینی نوروزی باید قربانی کرونا شود؟

ای دریغ از ما

مرتضی گلپور
خبرنگار

هر سال نزدیکی‌های عید، از سر خامی و شعاربازی، این شعر سایه را تکرار می‌کردم که «ارغوان، این چه رازی است که هر بار بهار با عزای دل ما می‌آید.» اما امسال قضیه جدی است. بسیاری از ما یا با عزای عزیزان خود سال نور را آغاز کرده‌ایم یا در فکر و خیالیم که با کرونا در کمین نشسته، چکار کنیم؟ نوروز درحالی آمد که برای چهره تازه‌اش آماده نیستیم. نگرانی برای سالم و در امان ماندن از شر کرونا، دیگر جانی باقی نگذاشته که به بهار و عید و حواشی آن فکر کنیم. با این همه نباید دست بسته هم باشیم. حتی اگر فکر کنید که دارم حرف شعاری می‌زنم، همیشه این طور فکر کرده‌ام که اقتضای انسان بودن ما این است که در هر شرایطی، از تلاش و کوشش برای تغییر وضعیت خود دست برنداریم. حالا هم همین طوری فکرمی‌کنم. یعنی همزمان که فکر می‌کنم خودم و خانواده‌ام چطور می‌توانیم از کرونا در امان باشیم، به این هم فکر می‌کنم که چطور از نوروز لذت ببریم یا اینکه اساساً چه کارهایی باقی مانده است که می‌توانیم انجام دهیم.

همه قوم و خویش‌های من در مازندران زندگی می‌کنند و برای همین، دلخوشی

هر سال من این بود که تعطیلات نوروز را با آنان می‌گذرانم. علاوه بر دید و بازدیدها و تازه کردن دیدارها، بخشی از وقتم هم به گشت وگذار در جنگل و دشت و کنار دریا می‌گذشت. اما امسال شرایط فرق دارد.

دروغ چرا، منتظرم عید برسد و سریال پایتخت بار دیگر پخش شود. به‌عنوان یک مازندرانی، از شوخی‌های بی‌نظیر، نزدیک بواقع و دقیقی که در این سریال با گویش و فرهنگ مازندران می‌شود، بسیار لذت می‌برم.

خلوت کردن و قدم زدن، تهران باشد یا مازندران، علاقه دیگر من در نوروز است. خیره شدن به تلاش طبیعت برای

زنده شدن، برکشیدن و سبز شدن و بوی دل انگیز علف‌ها و درختان که در فضا می‌پیچد.

حالا که فکر می‌کنم برنامه نوروز امسال من، احتمالاً تفاوت چندانی با برنامه سال‌های قبل نخواهد داشت؛ اما هر جا که باشم، دو چیز را بر خود لازم می‌دانم؛ کتاب خواندن به حد توان و تماشای طبیعتی که دارد دوباره جان می‌گیرد. براستی، طبیعتی که دوباره جان می‌گیرد، قصه تکرارشونده زندگی ما نیست؟ احساس ناتوانی و سردی می‌کنیم و دوباره گرم می‌شویم و توان خود را باز می‌یابیم؟ به قول فریدون مشیری «ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار.»

خبرنگاران

در قرنطینه

قرار نبود این گونه شود؛ بهتر است بگویم پیش‌بینی‌مان نبود که شماری از اعضای تحریریه «ایران» از قرنطینه اجباری ۱۳ روزه ابراز خرسندی کنند؛ اما بعد از اینکه یادداشت‌های کوتاه خبرنگاران «ایران» رسید، وجد از انزوای تحمیلی، قابل تأمل بود. روزنامه ایران عید امسال هم اطلاع‌رسانی خود را تعطیل نکرد و برای اولین بار در تعطیلات رسانه‌ای نوروز ۹۸ روزنامه الکترونیکی منتشر کرد و برای تعطیلات نوروزی سال آینده نیز تمهیداتی اندیشیده تا علقه خبری مخاطبان «ایران» با روزنامه گسسته نشود و طبیعتاً نوروز سال آینده برای خبرنگاران «ایران» ادامه سال کاری ۹۸ و به عبارت دقیق‌تر شروع سال کاری ۹۹ است. اما ماجرا چیست که این انزوا، چنین غنیمت شمرده می‌شود؟

قرنطیونینگ

ندا اکیش
خبرنگار

(همنوایی با قرنطینه) نامید. لیزو، هنرمند فلوت نواز و خواننده آمریکایی با انتشار پستی از خود در اینستاگرام در حال دمیدن در فلوتش، امضای خود را پای این ژانر جدید موسیقی نهاد و هدیه موسیقایی خود را به تمام کسانی که در قرنطینه هستند تقدیم کرد. بویو ما، موسیقیدان مشهور آمریکایی هم که بیش از ۹۰ آلبوم دارد و برنده ۱۸ جایزه گرمی بوده، در صفحه توییتر خود نوشت: در این روزهای پراسترس، می‌خواستم راهی پیدا کنم که موسیقی‌هایی را که به من آرامش می‌دهد به اشتراک بگذارم. نخستین آهنگ آرامش بخش من: «به خانه می‌رویم» است. سلامت باشید. اودر این پست این آهنگ را نواخت.

توفیق خانه نشینی

مریم سالاری
خبرنگار

نه میزبان. کمتر کسی است که از زنجیره دیدارهای پشت هم و چرخه ملاقات با چهره‌های ثابت در قاب خانه‌های متفاوت که گاه بیش از صله‌رحم و احوال جویی، سرک کشیدن در زوایای زندگی خصوصی است، لذت وافر ببرد و من نیز از این قاعده مستثنی نیستم. به همین دلیل خیلی ملول نیستم از اینکه می‌توانم روزهایی از عمرم را برای خودم بدزدم. شاید این قرنطینه ناخواسته فرصتی برای کشف خود باشد یا شاید حتی دلتنگی برای روزهای عادی، یکنواخت و حتی دید و بازدیدهای غیر صمیمی و ملال‌آوری که نه خوشایند میهمان است و

تهرانگردی نمی‌روم

حامد جیرودی
خبرنگار

از داروخانه دو تا ژل ضدعفونی‌کننده کوچک که قابلیت گذاشتن در جیب داشته باشد، خریدم و اگر بیرون باشم، بیشتر از همیشه در خانه ماندم و فقط به خاطر کار واجب بیرون آمدم. این را هم بگویم که عاشق تهرانگردی هستم و در ۳ سال گذشته حسابی پایتخت را گشتم و تصمیم داشتم عید امسال هم همین کار را بکنم؛ اما تصمیم گرفته‌ام عید در خانه بمانم و عکس‌های آرشیوی تهرانگردی‌ام را ببینم. فکر کنم خوب باشد؛ نه؟

